

یسوع فی عرس قانا الجلیل

¹ وَفِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِ كَانَ عُرْسٌ فِي قَانَا الْجَلِيلِ وَكَانَتْ أُمُّ يَسُوعَ هُنَاكَ. ² وَدُعِيَ أَيْضاً يَسُوعُ وَتَلَامِيذُهُ إِلَى الْعُرْسِ. ³ وَلَمَّا فَرَغَتِ الْخَمْرُ قَالَتْ أُمُّ يَسُوعَ لَهُ: لَيْسَ لَهُمْ خَمْرٌ. ⁴ قَالَ لَهَا يَسُوعُ: مَا لِي وَلَكَ يَا امْرَأَةٌ؟ لَمْ تَأْتِ سَاعَتِي بَعْدُ. ⁵ قَالَتْ أُمُّهُ لِلْخُدَّامِ: مَهْمَا قَالَ لَكُمْ فَافْعَلُوهُ. ⁶ وَكَانَتْ سِنَّةُ أَجْرَانِ مِنْ جِجَارَةٍ مَوْضُوعَةً هُنَاكَ حَسَبَ تَطْهِيرِ الْيَهُودِ، يَسُوعُ كُلُّ وَاحِدٍ مِطْرَيْنِ أَوْ ثَلَاثَةً. ⁷ قَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: اَمْلَأُوا الْأَجْرَانَ مَاءً. فَمَلَأُوهَا إِلَى قَوْفٍ. ⁸ ثُمَّ قَالَ لَهُمْ: اسْتَقُوا الْآنَ وَقَدِّمُوا إِلَيَّ رِئِيسَ الْمُتَكِلِ. فَقَدِّمُوا. ⁹ فَلَمَّا ذَاقَ رِئِيسُ الْمُتَكِلِ الْمَاءَ الْمُتَجَوَّلَ خَمِراً وَلَمْ يَكُنْ يَعْلَمُ مِنْ أَيْنَ هِيَ، لَكِنَّ الْخُدَّامَ الَّذِينَ كَانُوا قَدْ اسْتَقُوا الْمَاءَ عَلَّمُوا، دَعَا رِئِيسُ الْمُتَكِلِ الْعَرِيسَ ¹⁰ وَقَالَ لَهُ: كُلُّ إِنْسَانٍ إِنَّمَا يَصْغُ الْخَمْرَ الْجَيِّدَةَ أَوَّلًا وَمَتَى سَكِرُوا فَجَيِّدِ الدُّونِ. أَمَّا أَنْتَ فَقَدْ أَتَيْتَ الْخَمْرَ الْجَيِّدَةَ إِلَى الْآنَ. ¹¹ هَذِهِ بَدَايَةُ الْآيَاتِ فَعَلَهَا يَسُوعُ فِي قَانَا الْجَلِيلِ وَأَظْهَرَ مَجْدَهُ، فَأَمَنَ بِهِ تَلَامِيذُهُ. ¹² وَبَعْدَ هَذَا انْحَدَرَ إِلَى كَفَرْنَاحُومَ هُوَ وَأُمُّهُ وَإِخْوَتُهُ وَتَلَامِيذُهُ وَأَقَامُوا هُنَاكَ أَيَّاماً لَيْسَتْ كَثِيرَةً.

یسوع یطرد التَّجَار من الهیکل

¹³ وَكَانَ فِضْحُ الْيَهُودِ قَرِيباً فَصَعِدَ يَسُوعُ إِلَى أُورُشَلِيمَ. ¹⁴ وَوَجَدَ فِي الْهَيْكَلِ الَّذِينَ كَانُوا يَبِيعُونَ بَقْراً وَغَنَماً وَخَمَاماً وَالصَّبَّارِيفَ جُلُوساً. ¹⁵ فَصَنَعَ سَوْطاً مِنْ جِبَالٍ وَطَرَدَ الْجَمِيعَ مِنَ الْهَيْكَلِ، أَلْعَنَمَ وَالتَّبَقَر، وَكَبَّ دَرَاهِمَ الصَّبَّارِيفَ وَقَلَبَ مَوَائِدَهُمْ. ¹⁶ وَقَالَ لِبَاغَةِ الْحَمَامِ: ازْفَعُوا هَذِهِ مِنْ هَهْنَا، لَا تَجْعَلُوا بَيْتَ أَبِي بَيْتَ تِجَارَةٍ. ¹⁷ فَتَذَكَّرَ تَلَامِيذُهُ أَنَّهُ مَكْتُوبٌ: "عَبْرَةُ بَيْتِكَ أَكَلْتَنِي". ¹⁸ فَأَجَابَ الْيَهُودُ وَقَالُوا لَهُ: آيَةُ آيَةٍ ثَرْبِنَا حَتَّى تَفْعَلَ هَذَا؟ ¹⁹ أَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُمْ: انْقُضُوا هَذَا الْهَيْكَلَ وَفِي ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ أَقِيمُهُ. ²⁰ فَقَالَ الْيَهُودُ: فِي سِتٍّ وَأَرْبَعِينَ سِنَةً بُيِيَ هَذَا الْهَيْكَلُ أَفَأَنْتَ فِي ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ تُقِيمُهُ؟ وَأَمَّا هُوَ فَكَانَ يَقُولُ عَنْ هَيْكَلِ جَسَدِهِ. ²² فَلَمَّا قَامَ مِنَ الْأَمْوَاطِ تَذَكَّرَ تَلَامِيذُهُ أَنَّهُ قَالَ هَذَا، قَامَتُوا بِالْكِتَابِ وَالْكَلَامِ الَّذِي قَالَهُ يَسُوعُ.

²³ وَلَمَّا كَانَ فِي أُورُشَلِيمَ فِي عِيدِ الْفِضْحِ آمَنَ كَثِيرُونَ بِاسْمِهِ إِذْ رَأَوْا الْآيَاتِ الَّتِي صَنَعَ. ²⁴ لَكِنَّ يَسُوعَ لَمْ يَأْتِمْنَهُمْ عَلَى نَفْسِهِ لِأَنَّهُ كَانَ يَعْرِفُ الْجَمِيعَ، ²⁵ وَلَئِنَّهُ لَمْ يَكُنْ مُحْتَاجاً أَنْ يَشْهَدَ أَحَدٌ عَنِ الْإِنْسَانِ لِأَنَّهُ عَلِمَ مَا كَانَ فِي

عیسی در عروسی در قانای جلیل

¹ و در روز سوم، در قانای جلیل عروسی بود و مادر عیسی در آنجا بود. ² و عیسی و شاگردانش را نیز به عروسی دعوت کردند. ³ و چون شراب تمام شد، مادر عیسی بدو گفت: شراب ندارند. ⁴ عیسی به وی گفت: ای زن مرا با تو چه کار است؟ ساعت من هنوز نرسیده است. ⁵ مادرش به نوکران گفت: هر چه به شما گوید بکنید. ⁶ و در آنجا شش قدح سنگی برحسب تطهیر یهود نهاده بودند که هر یک گنجایش دو یا سه کیل داشت. ⁷ عیسی بدیشان گفت: قدحها را از آب پر کنید. و آنها را لبریز کردند. ⁸ پس بدیشان گفت: الآن بردارید و به نزد رئیس مجلس ببرید. پس بردند؛ ⁹ و چون رئیس مجلس آن آب را که شراب گردیده بود، بچشید و ندانست که از کجا است، لیکن نوکرانی که آب را کشیده بودند، می‌دانستند، رئیس مجلس داماد را مخاطب ساخته، بدو گفت: ¹⁰ هرکسی شراب خوب را اول می‌آورد و چون مست شدند، بدتر از آن. لیکن تو شراب خوب را تا حال نگاه داشتی؟

¹¹ و این ابتدای معجزاتی است که از عیسی در قانای جلیل صادر گشت و جلال خود را ظاهر کرد و شاگردانش به او ایمان آوردند. ¹² و بعد از آن او با مادر و برادران و شاگردان خود به کفرناحوم آمد و در آنجا ایامی کم ماندند.

عیسی به معبد بزرگ می‌رود

¹³ و چون عید فِضْح یهود نزدیک بود، عیسی به اورشلیم رفت، ¹⁴ و در معبد، فروشندگان گاو و گوسفند و کبوتر و صرافان را نشسته یافت. ¹⁵ پس تازیانه‌ای از ریسمان ساخته، همه را از معبد بیرون نمود، هم گوسفندان و گاوان را، و نقود صرافان را ریخت و تخته‌های ایشان را واژگون ساخت، ¹⁶ و به کبوترفروشان گفت: اینها را از اینجا بیرون برید و خانه پدر مرا خانه تجارت سازید. ¹⁷ آنگاه شاگردان او را یاد آمد که مکتوب است: غیرت خانه تو مرا خورده است.

¹⁸ پس یهودیان روی به او آورده، گفتند: به ما چه علامت می‌نمایی که این کارها را می‌کنی؟ ¹⁹ عیسی در جواب ایشان گفت: این قدس را خراب کنید که در سه روز آن را برپا خواهیم نمود. ²⁰ آنگاه یهودیان گفتند: در عرصه چهل و شش سال این قدس را بنا نموده‌اند؛ آیا

تو در سه روز آن را برپا می‌کنی؟²¹ لیکن او دربارهٔ قدس جسد خود سخن می‌گفت.²² پس وقتی که از مردگان برخاست شاگردانش را به‌خاطر آمد که این را بدیشان گفته بود. آنگاه به کتاب و به کلامی که عیسی گفته بود، ایمان آوردند.

²³ و هنگامی که در عید فصح در اورشلیم بود بسیاری چون معجزاتی را که از او صادر می‌گشت دیدند، به اسم او ایمان آوردند.²⁴ لیکن عیسی خویشان را بدیشان مُؤْتَمِنُ نَساخت، زیرا که او همه را می‌شناخت.²⁵ و از آنجا که احتیاج نداشت که کسی دربارهٔ انسان شهادت دهد، زیرا خود آنچه در انسان بود می‌دانست.